ام السلطنه هفته آینده باهواپیمای مسافربری شرکت هواپیمائی ایران بار وپا پرواز خواهد کرد

نوربخش

دارنده امتیاز و مدیر - نوربخش

سال هفتم دوره دوم شماره اول

اداره خیابان اسلامبول پاساژ تهران

برای سقوط دولت مصدق در منزل حکیم الملك جلسه سری تشکیل بود - دکتر معظمی برای تعقیب قوام یخه‌چاك می‌دهد - کابینه ترمیم ودکترامینی وزیر دارائی خواهد شد - دردادائی اصفهان چه خبراست

بقیه درصفحه ۲

> دردفتر زمانه فتد نامش ازقلم
> هرملتی که مردم صاحب‌قلم نداشت
> درپیشگاه اهل خرد نیست محترم
> هر کس که فکر جامعه‌را محترم نداشت
>
> فرخی

ملت از این مشروطه قلابی بجان آمده است...!!

میگویند حکومت‌ایران حکومت‌مشروطه است.

میگویند بهترین رژیمها حکومت‌مردم برمردم است

میگویند در ایران مردم آزادانه وکیل انتخاب کرده و بپارلمان میفرستند و نمایندگان ملت وزرائی را بنا به میل و اراده موکلین خود برای خدمت بجامعه برگزیده‌و ...و...و

ولی ملت ایران یعنی هیجده ملیون بابرهنه و فاقد حداقل زندگی که بنامش این مزخرفات واراجیف را ردیف کرده باجملات ظاهر فریب بخورد دنیا میدهند‌ازین مشروطه روحش بی‌خبر است و عده معدودی نیز که قدری وارد جریان می باشند چنان‌ازین‌مشروطه قلابی وباسمه‌ای مستاصل وعاجز گشته که کارد باستخوانشان رسیده وحاضر نه بنای جغدنشین بهارستان رابسرو کله‌ی‌این‌و کلای بی‌موکل‌خراب وویران سازند.

من کم کم معتقد میشوم که‌سالار ملی وسردار ملـی ، میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل و ملك المتکلمین رهبران مشروطه راهی خطا پیموده وخونهای دلاورانی که ضامن بقای مشروطه کنونی گشت هدررفته است.

من عقیده‌مندم که شیخ‌فضل‌اله نوری مردی پاکباز ووطن پرست بوده‌وروی همین‌اصل‌درمقابل مجاهدین ومردمیکه برعلیه اومشت‌ها راگره کرده فریاد میزد ملت‌این‌مشروطه مشروعه نیست‌وکسانی که طناب‌دار رابگردن‌او افکندند بالفطره جانی و خائن بوده‌اند

آخر این‌چه‌حکومت مشروطه‌ایست که ملت‌هرچه داشته بنام حکومت قانون ازو گرفته و درعوض یك مشت دزد بی‌ابرو ، یك دسته حمال‌گردن کلفت واز همه جا رانده ،یکعده قاچاقچی وخائن وجاسوس که اگر دردور ترین‌نقاط افریقا و کنار رود امـازن آفتابی شوند.

قبایل سیاه‌پوست کلبه‌های‌خودرارها کرده وسر به بیابان خواهندگذاشت بنام وکیل ملت برکرسیهای پارلمان تکیه زده و در آنجا برای‌پرکردن‌جیب‌خود واعوان انصارخویش‌ملتی را بدین روزسیاه بنشانند.

مگراین‌مجلس‌مولود اراده‌انگلیسها‌نبود؟

مگربرای گرفتن‌شرایط‌دیك‌های‌پلو و آشدر بقیه‌در ص۲



ای‌ساربان آهسته ران‌کارام‌جانم میرود
آرام جان ، روح روان ، جان جهانم میرود
گفتم بکف‌چون‌اختیار، آرم بگیرم کام‌دل
نگرفته کام اینك چرا ار کف عـنا ـم میرود ؟

اقتباس از (مارك تواین) (نویسنده شهیر امریکا)

از دفتر خاطرات آدم ابوالبشر

...

شنبه : نمیدانم (حوا) راست‌میگوید که ازپهلوی چپ‌من بوجود آمده است منکه گمان نمیکنم شایدهم این حرفهایش مانند حرف‌های دیگرش بکلی‌دروغ‌است

یکشنبه

حوا همیشه میل دارد خودرا زیبا آرایش دهد دیروز درشکارگاه ببرماده شکارکردم واوپوستش را بخود گرفته است وخیلی‌هم زیبا جلوه می‌آید .

دوشنبه

ازدست حوا ازجان خودسیر شده‌ام وه راستی چه موجودی‌است اومایل‌است همیشه من‌پهلوی او بنشینم وباو بگویم عزیزم چه خوشکل شده‌ای

سه‌شنبه

من‌نیز حقه را سوار میکنم وهمیشه باو می‌گویم توجان منی واو برخود باد می‌کند

چهارشنبه

امروز دیگر این موجود عجیب از چوبهای باریك شیئی ساخته که شباهت زیادی بدندان گرازدارد واسم آنرا [شانه گذارده است وآنرا بیشتر مواقع برروی گیسوانش می‌مالد !

پنج شنبه

وه .: راستی زندگی دونفری چقدر سخت است حوا هرروز ازمن خواهش های زیادی‌می کند مثلا میگوید بایدامروز پوست یك پلنك برای من بیاوری



پس از قطع رابطه‌سیاسی

شکار پلنك یابزرگترین آرزوی مظفرالدین شاه

مظفرالدین شاه از رعدوبرق وسکته وآدم ناشناس وتاریکی میترسید ولی بزرگترین آرزویش شکار شیروپلنك در جنگل افریقا بود

دراواخر اسفند بود، بادخنك وفرح‌بخشی میوزید، ماه‌چون زورق نقره‌فامی بالکه های ابر بازی میکرد پاره های ابـر باحرکت آرام ومتین خود شکلهای‌مختلف بوجود میآوردند، مظفرالدین‌شاه‌دراطاق بریلیان باخاصان خودنشسته بود وازهردر صحبت میداشت دبیرحضور (قوام‌السلطنه) درحال تعظیم‌ازدرواردشده اجازه‌مرخصی خـواست، شاه اورا مرخص فـرمود و روبحضار کرد وگفت :

دبیرحضور جوان باهوش‌وباکفایت است.

دکتر اعلم‌الدوله ثقفی که نزدیك شاه ایستاده بوده گفت :

قربان دراین‌وقت که‌تمام مسئولیت امور مملکت بعهده اعلیحضرت همایونی اروا‌حنافداه است‌اگر کسی ابراز‌کفایتی

بقیه درصفحه ۲



پری .-ازروزیکه دکتر مصدق‌مجلس سنا رامنحل کرد وباباجون خونه نشین شده نامزدم سراغم نمی‌آید

مهری - بهمین جهت‌من نیزمخالف دکتر مصدق شده‌ام

شکار پلنگ

بقیه از صفحه ۱

میکند باید گفت شعاعی از آفتاب درایت وکیاست اعلیحضرت براوافتاده والا..،

شاه صحبت اورا قطع کرد گفت: اعلم میدانم چه میخواهی بگوئی البته اگر آنوقت که ما میدانیم لیاقت و کفایت بخرج دادند درست است.

امیر بهادر که قبله وسیله خاذن اقدس ده شاه ازقضایا بو برده ومی دانست که چندنفر میخواهند شاه را وادار کنند که مجلس درست کند و کارها را بمجلس بسپارد با حالت غضبناک نگاهی به اعلم الدوله نمود بعد رو بشاه کرده گفت

قربان کدام وقت را میفرمائید؟

شاه جوابی بسؤال امیر بهادر نداده برای اینکه خیالهارا ازاین سؤال وجواب منصرف نماید گفت اعلم راست است که سکته را باقصه معالجه میکنند؟

دکتر اعلم گفت:

بله قربان هر سکته‌ای کشنده نیست واگر سکته های کامل کشنده هم باقصه قابل معالجه است شاه با تعجب حاکی از وحشت ترس گفت:

عجب بدبلائیست؟

اعلم تولابد همیشه اسباب قصه همراه داری؟

دکتر اعلم جوابداد:

بله قربان طبیب باید همیشه وسائل کارش راهمراه داشته باشد!

در این ضمن سید بحرینی ازدر رسید وپس ازتعظیم غرائی نزدیک در ایستاد معلوم شدکه هوارو بانقلاب است وپیش‌خدمتها که می‌دانند شاه تا چه اندازه از رعد وبرق ترس و وحشت دارد و معتقد است که سیدصحیح النسب راهیچوقت صاعقه نمیزند باینجهت هر وقت هوا را طوفانی می‌دیدند سیدبحرینی راکه شاه باو اعتقاد خاصی داشتند خدمت شاه می فرستادند تا شاه بدامن او پناه ببرد حضار که مسبوق به این احوال بودند بجز طبیب مخصوص دکتر اعلم ویکی دو نفر دیگر از محارم نزدیک بقیه پس ازکسب اجازه از حضور مرخص شدند چیزی نگذشت که صدای مهیب غرش رعد بلندشد شاه با رنک و روی باخته وحشت‌زده وهراسان خود را بسید صحیح النسب چسباند سیدهم عبایش راروی سرش کشیده شروع بخواندن حدیث کساکرد.

قریب یکساعت ونیم که رعد وبرق و تگرک وباران ادامه داشت شاه همچنان در زیر عبای سید پنهان بود ودامن سید را در دست داشت وسیدهم حدیث کسامیخواند وبشاه می دمید...

تلون بهاری کارخودراکرد باران ایستاد وابرها برطرف شد و هوا لطافت خاصی پیداکرد.

شاه از زیرعبا بیرون آمدولی هنوز رنک رویش بجا نبود دکتر اعلم باکمی تنتور والرین و دواهای دیگر شاه راآرام کرد وپیشخدمتها باسینی های شربت آلات واردشدند وکم کم مجلس حالت عادی به خودگرفت وشاه دوباره بگفتگو بااطرافیان پرداخت وچون مجلس بی ریا وخالی از اغیار بود آرزوی دیرینه خود رابایاران درمیان نهاده گفت:

اگر کارها بروفق مراد درست شود آنوقت میرویم بافریقا توی همان قفس آهنینی که میدانید ویکدفعه خواهید دید که تفنک من درق صداکرده گلوله درست وسط پیشانی آن یارو خورده و آن یارو درهوا بلند شده جابجا بزمین خورده بی حرکت ماند.

حالا بیائید نقشه وطرح شکاریارو ها رادر سر زمین آفریقا درست حسابی بریزیم اولا سفارش میدهیم ازمیله های آهنی که دارای ضخامت و ارتفاع معین باشند یکنوع قفس باندازه یک اطاق بزرگ که گنجایش چهار پنج نفر بلکه بیشتر را داشته باشد ساخته یاآنکه قبل از وقت میدهیم میله های فولادین را در زمین نزدیک بهم فرو ببرند و محکم بکوبند و بطوری مستحکم نمایند که زور بازوی ببر و پلنگ نتواند آنها را جا کن نماید و فاصله‌ها نیز گنجایش عبور دست وپنجه آنهارا نداشته باشد چه‌رسد بآنکه بتواند سروکله خود را درآن اطاق واردکنند اینهم باز یکنوع قفس مانندی خواهدشد زیرا برای آن از همان میله‌ها که پیچ ومهره داشته باشد سقف درست خواهیم کرد.

آنوقت کسانی راکه درآنشب باید همراه ماباشند وتفنگهائیرا که لازمست انتخاب کرده وباخود برداشته در آن قفس میرویم وکشیك میکشیم تا یاروها بیایند،وقتی که آمدند چون اولی به تیررس رسید اول من شلیك خواهم کرد برفرض آنکه تیر من بخطا رفت یاکارگر نشد آنوقت سایرین تفنك بیندازند اما خواهیدديد.

همینقدر که ازدور دو چشم او را دیدم که در تاریکی مانند دو چراغ درخشیده عربده کنان حمله‌ور گشته نزدیك آمد تفنك من که نوك آنرا ازلای میله ها بیرون واداشته وقر اول رفته‌ام صدا کرده وگلوله درست بوسط پیشانی او خورده آن بد جنس درهوا بلندشد جا بجا بزمین میافتد

احسنت قربان دست شما!!

شاه رویش را بطرف صاحب این صداکه یکی ازچاکران آستان ملائك پاسبان بودو اکنون خود را مجاهد راه‌مشروطیت برای من و شما میخواند نمودو گفت:

ولی حالاباین دغدغه ها کی این آرزوعملی است؟!

هیهات!.. هیهات

مقاله ذیل بقلم دانشمند معظم، فیلسوف شهیر ایرانی.
جناب آقای حسین کاظم زاده ایرانشهر برشته تحریر کشیده شد دراین مقاله روی سخن با فرهنگیان است ولی از نظر اهمیت موضوع، عموم خوانندگان را بقرائت آن توصیه مینمائیم.

فرهنگ وفرهنگ پژوهان ایران

تاثیر فرهنگ در مقدرات ملتها

دانتون یکی از رهبران انقلاب فرانسه میگفت(پس ازنان، تربیت نخستین احتیاج ملت است)

مورخ وفیلسوف فرانسوی (ارنست رنان) نیز که باسید جمال‌الدین اسدآبادی مباحثه‌ها داشته مینویسد.

مسئله تربیت در هیئتهای اجتماعی امروزی مسئله مرگ و زندگی است.

مقصود این دانشمند بزرك این‌است که باقی ماندن ونابود شدن یك ملت مربوط بچگونگی ودرجه تربیت اجتماعی یعنی فرهنك آن ملت است.

این یك حقیقت تاریخی است که فلسفه واجتماعیات آنرا ثابت کرده‌است.

چنانکه احوال روحی وتربیت اجتماعی ملت ایران در قرنهای گذشته، حال کنونی مارا تولید کرده‌است.

تربیت واخلاق امروزی ما نیزیك فردای تاریك برای ما تهیه خواهد کرد چگونگی تربیت واخلاق یك ملت بسته بچگونگی معارف ودرجه انتشار آن است در میان آن ملت، ملت بی فرهنك را ملت مرده باید شمرد.

واز یك مرده انتظار جنبش واظهار زندگی نتوان داشت.

در ملتی که فرهنك صحیح و تربیت کامل انتشار نیافته است حس ملیت ومعاونت اجتماعی نایاب میگردد وافراد آن ملت نسبت بیکدیگرو نسبت به مملکت خود لاقید وبیگانه میماند.

زیرا آن رابطه قومی وروحی که آنها را بهم مربوط سازد درمیان نیست در یك چنین ملت وحدت سیاسی غرور ملی، حس وطنی و عواطف اجتماعی و عشق معنوی وروح شرافت وعظمت ملی مفقود میشود افراد این‌مملکت در وطن خود غریبند ومانند بیگانه بهم می نگرند وچون احساسات مشترك آمال و مقاصد مشترك ندارند اگر کسی بشرافت نقش ملی آنها تجاوز بکند از آن متاثر نمیشوند ووظیفه مقابله ومدافعه در خود احساس نمیکنند

جامعه امروزی ایران نمونه یك چنین ملت است زیرا باآنکه افراد آن همه از یك نژاد، ساکن یك آب وخاك اجدادی، دارای یك زبان ومذهب پروردگان یك مادر و اعضای یك خانواده هستند باز بهمدیگر بیگانه می باشند چنانکه کرمانی آذربایجانیرا غیر از خود میداند و آذربایجانی عراقی را از جنس دیگرمیشمارد و اهالی هر شهر، مملکت و وطن را را عبارت ازشهر مولد خودمیدانند چه یك رشته محکم که اینها را بهم مانوس و مجذوب سازد موجود نیست

و ازاینرو وقتیکه یك دشمن خارجی بحقوق آنها و یا بخاك آنها تجاوز میکند و یا یك شخص دون و پست فطرت بشرافت قومی و عزت ملی و نجابت نژادی و عقاید مقدس دینی و شئون اجتماعی آنها زبان طعن وناسزا و تحقیر باز میکند مثل اینکه آنان هدف این تجاوز ها و تحقیر ها نیستند هیچگونه آثار تاثر و عصبیت و حس غیرت و انتقام در آنها ظاهر نمیشود

چنانکه آنها خود را علاقمند به نژاد و قومیت و مذهب نمی دانند و بقول خودشان دردمان (بی همه چیز)هستند نتیجه این حال اینست که در جلو حادثات مهم حس مشارکت در این ملت دیده نمیشود وهر فرد ایرانی جز حفظ منافع شخصی خود هیچ نفع عمومی رادر نظر نمی گیرد

در ایران هرطبقه و صنفی بلکه هر فردی نصب العین علیحده دارد

نصب العین طلاب این است که روزی مفتی و امام جماعت شوند ونصب العین بازاری این است بزیارت کربلا برود و نصب العین تاجر این‌است که ثروتی جمع کند و حاجی بشود.

ونصب العین رنجبر ارزان شدن نان است و نصب العین جماعتی هم‌دزدی است

هریك از افراد و طبقات وحتی فرقه های سیاسی یك ملت نصب العینهای مختلف و انفرادی میتوانند داشته باشند چنانکه در تمام ملت های دیگر نیز این طور است،

ولی این ملتها علاوه بر نصب العینهای فردی خصوصی یك نصب العین مشترك و عمومی یعنی اجتماعی وملی دارند که بر نصب العین های فردی غالب و مسئولیت و نصب العینهای فردی درآن مستهلك میشوند و این همانست که ماازآن به(هدف آمال ملی) تعبیر می کنیم همین هدف است که مقدرات ملت را اداره می کند افراد یك ملت میتوانند منافع ومقاصد شخصی مخالف با یکدیگر داشته باشند و همچنین مسلکهای متضاد تعقیب بکنند چنانچه اساساهمه جا اینطوراست ولی علاوه براین دارای یك هدف آمال ملی ونصب العین اجتماعی هستند که در مقابل آن تمایلات وآمال فردی معدوم میشود وبه تحلیل میرود ناتمام.

ملت ایران از مشروطه

بقیه از صفحه ۱

همین سفارت لعنتی که چندروز پیش دربش را لجن زدند بارگذاشته نشد ومابا کمك انگلیس هامشروطه را بچنك نیاوردیم.

اینها اکثرشان وکیل سفارت‌های بیگانه و بکمك خارجی باین مقام رسیده واگر روزی ازحلقوم خشك این‌ملت فلك‌زده فریاد دادخواهی و انتقام درفضا طنین اندازشودفوری مصالح عالیه کشور بخطر افتاده‌و بزمین بلرزه‌درخواهدآمد.

درتمام کشورهائیکه رژیم‌مشروطه حکومت‌میکند مردم‌درسرنوشت خود از ادبوده‌ودرانتخاب وکیل‌حق ابراز حیات‌داشته وبرای سعادت‌خودمیتوانند **قدم بردارند ولی این‌ملت‌شش هزارساله بالاخره درزیر چنگال مشروطیت بافجیع‌ترین‌وضعی جان‌خواهدداد زیرا این رژیم بجای سعادت بدبختی وفلاکت بارمغان آورده است:**

شماقبل‌از هرکاری بسوابق‌این‌وکلای‌محترم!وملی نظری‌افکنده واگر توانستیداز تعجب وحیرت فریاد نکشید وخونسرد بمانید.

اینهابوقلمون های بدنهادی هستند که هرلحظه برنگی درآمده وهرلحظه بساز قدرت روزمیرقصند.

دوره قاجاریه حکیم‌الملك طبیب‌مخصوص‌شاه ومشاور محترم‌دربار است بمحض آنکه سلطنت از خاندان قاجاریه بپهلوی انتقال‌میابدبازاین جرثومه خیانت خدمتگذار رضاشاه‌و بهترین‌شاخص میهن پرستی‌است خارجیهاکشوررااشغال‌می کنندورضاشاه تبعید میشود باز حکیم‌الملك نخست‌وزیر و سناتور است.

دکتر طاهری جاسوس‌مارکدار انگلستان دوره دیکتاتوری وکیل یزداست و امروز هم‌یعنی دراونیکه دکترمصدق نخست‌وزیر وانتخابات بعقیده رئیس دولت آزاد بودباز وکیل مجلس‌شورای ملی است.

ملك‌مدنی رذل‌ترین نوکردیکتاتوری امروز هم وکیل ملت ودارای مصونیت پارلمانی است!

خیر ملت‌این مشروطه رانمیخواهدملت‌ازاین مشروطه‌سرسام گرفته واولین قدم اصلاحی بستن‌این باغ‌وحش است که در شرق بهارستان قرارگرفته است.

این حکومت حکومت‌دزدهاست زیرا مقدرات یك‌ملتی که در هوش وذکاوت ضرب‌المثل جهانی‌است درکف یکمشت بی‌سواد بنگی وحقه بازوخیانت پیشه نهاده‌است.

مابزرگترین سد راه‌موفقیت وپیشرفت ملت‌وکلای بی‌موکل مجلس‌شورارادانسته وازاینرو باید قبل از اقدا بهراصلاحی‌مجلس را منحل ساخت.

علی‌محمد نوربخش

قهرمانانیکه بدریافت نشان و مدال نائل شدند

قهرمانانی که بپاس پیروزیهای بین المللی خود در روز جشن چهارم آبان بدریافت نشان ومدال تربیت بدنی نائل آمده‌اند بشرح‌زیر بودند.

محمود نامجو قهرمان‌اول‌جهان در سالهای ۱۹۵۱و۱۹۵۲ و قهرمان دوم المپیك هلسینکی در رشته وزنه برداری (دسته خروس وزن) نشان درجه اول تربیت بدنی.

اشخاص زیر بدریافت نشان‌درجه‌دوم نائل شدند.

ناصر گیوه‌چی قهرمان دوم المپیك هلسینکی دروزن سوم کشتی آزاد-غلامرضا تختی قهرمان دوم المپیك هلسینکی در وزن ششم آزاد-منصور رئیسی قهرمان دوم مسابقه های کشتی آزادجهانی سال ۱۹۴۹ ترکیه در وزن اول محمود ملا قاسمی قهرمان دوم مسابقه های کشتی آزاد جهانی ۱۹۴۹ وقهرمان‌سوم‌المپیك عبداله مجتبوی قهرمان-دوم مسابقه های کشتی آزاد جهانی سال ۱۹۴۹ دروزن پنجم وقهرمان سوم‌المپیك-حسن سعدیان قهرمان دوم مسابقه‌های کشتی آزادجهانی سال ۱۹۴۹دروزن سوم- علی میرزائی قهرمان دوم وزنه برداری جهان دروزن اول (المپیك)



دررادیو تهران

شنوندگان گرامی حالا خانم (ا... درباره چگونه میتوان زیبائی اندام ... حفظ‌کرد برای شما سخن خواهندگفت

نامه هفتگی
روزنامه‌های سه‌شنبه منتشرمیشود
تکشماره۲ ریال
اشتراك یکساله ۲۰۰ ریال
شش‌ماهه ۱۰۰ ریال
بهای آگهی‌ها بادفتر اداره است

نامه آتشبار شرق بعلل فنی این هفته منتشر نشد

جهان سخن

شعر از استاد نوربخش آزاد

کشتی حیات

در این شب تار بیکرانه　　کشتی حیات شد روانه
بر ساحل تازهٔ ز دریا

آن‌ره که نه بازگشتنش هست　　نه راه بجای بردنش هست
غرقاب مهیب روح فرسا

در روی محیط زندگانی　　ایدل تو مگر نمی‌توانی
لنگر فکنی دمی بیکجا

ای بحرهنوز بین نرفته　　یکسال که آن مه دو هفته
چشمش بتو بود و موج زیبا

آنجای که باید آن نشیند　　موج‌خوش‌ودلکشت به بیند
بنگر من غم رسیده تنها

آنشب نبود مگر بیادت　　کز غرش موج و تند بادت
برگشته بد این سپهر مینا

ای‌موج‌شبی که‌بحر زخار　　میریخت ترا بپای دلدار
آید دگرت بخاطر آیا

در صفحه‌این محیط مواج　　آرام که گشته بود امواج
بودم بر آن مه دل آرا

جز جنبش آبها زپارو　　کاندر تو فکنده بدهیاهو
برگوش نمی‌رسید اوا

ناگاه نوای جانفزائی　　کش‌گوش نبد شنیده‌جائی
بشنیده شد ازکنار دریا

گردید چو موج بهرخاموش　　این نغمه دلنواز در گوش
آمد ز آن یار سرو بالا

کای‌چرخ بمان‌زگردش‌خویش　　وی دهر منه دگرقدم پیش
یك لحظه‌که خوش زنید احبا

آن تنگدلان‌که تیره بختند　　افتاده بروزگارسختند
دارند وصالتان تمنا

گردی‌که زغم‌بچهرشان هست　　شوئید زسیل مرك یکدست
جوئید ز خوشدلان تبرا

لیکن دگر این‌زمان نیاید　　وقتی که زدست رفت ناید
بیهوده کنم من این تقاضا

گفتم آهسته تر رو ای‌شب　　بینم بگشوده صبحدم لب
داد افسر شب بباد یغما

پس به که‌اکنون کنیم همت　　دانیم یکی دودم غنیمت
جوشیم بهم برغم اعدا

بر کشتی‌عمر ایستگه نیست　　دورانرا برکناره ره نیست
او درگذر است و ما گذارا

ایام نشاط و شادمانی　　دوران وصال وکامرانی
روزخوش و شام‌عشرت‌افزا

ازچیست که‌همچودور هجران　　روزش همه‌می بری به‌پایان
ای چرخ حسود بی مدارا!

دارد به چگونه دیگرامکان　　تا ماند اندکی بدوران
آثاری از این شب فرح زا

آیاشود آنکه در زمانه　　آن‌دور که رفته از میانه
گردد بدمی دگر مهیا

یا آنکه شودکه بخت رفته　　کاین‌چرخ زدست ماگرفته
باز آید و دل کند شکیبا

ای بحر عدم محیط هستی　　ادوارسلف مهاد پستی
ای بادیه های پر ز غوغا

این روزوشبان که‌اژدهاسان　　بلعید چه میکنیدشان هان
گوئید هماره پاسخم ها

ایام نشاط را سراسر　　آیا بودآنکه بار دیگر
از نو بکنید برمن اهدا

دریاچه وصخره‌های آرام　　وی‌جنگل تار وتیره چونشام
وی غار سیاه ظلمت آسا

آنان‌که زمانه حفظتان‌کرد　　یا برده و بازتان بیاورد
دارید همیشه یاد ما را

ای عالم دلکش این طبیعت　　نزد توز من بود ودیعت
این نیکو یادگار والا

ای بحر بگو بموج آبت　　درگاه سکون و انقلابت
تا باشد در دلش هویدا

بسیار بسرو های در هم　　وآن دسته سنگهای محکم
کاندر تو فتاده تا ثریا

بادش نرود نسیم اسحار　　کاید بوزش میان اشجار
آرد به نشاطشان سراپا

آنصوت‌که زانعکاس آواز　　آید سوی ساحل وورود باز
شاهد باشد بر این قضایا

ماهی که بشب زاوج افلاك　　پرتو فکند بدامن خاك
باشد بر او همیشه پیدا

بادی که بود مدام جاری　　ماند بر او بیادگاری
این قصه پر ز غصه ما

آن نی‌که بنیستان بناله‌است　　عطری‌که بگلستان بلاله‌است
گویند بجمله اهل‌دنیا

کان هر دو مصاحب موافق　　بر یکدیگر بدند عاشق
در پنهانی و آشکارا

چگونه ظل‌السلطان و آقا نجفی بایکدیگر شوخی میکردند

شاهزاده مسعود ظل‌السلطان پسر ارشد ناصرالدینشاه‌قاجار حکمران‌اصفهان وفارس در دوره زمامداری ناصرالدین - شاه و برادرش مظفرالدین‌شاه باکمال قدرت‌وسیطره براصفهان وفارس‌حکومت مینمودوصفحات تاریخ پراست از شقاوتها آدمکشیها و جنایات هولناك‌این‌شاهزاده قاجار

ظل‌السلطان تنهاقدرتی که ازآن در هراس بوده قدرت روحانیت میبود و چون آقانجفی مردروحانی ومتنفذاصفهان نیز دلخوشی ازحاکم نداشت اکثراوقات این دومرد درعرصه مبارزه بایکدیگردر جدال بودند.

نفوذوقدرت وسرنیزه وقمه‌شاهزاده مسعود در مقابل قدرت‌روحانیت ودستگاه آخوندی‌آقانجفی رونق وارزشی نداشت از این روشاهزاده سفاك قاجاری‌بسیار ازروحانیون احتیاط میکرد و تاجائیکه میتوانست‌سعی‌داشت‌بهروسیله مسیوراست رضایت خاطر آنان رافراهم سازد.

آقانجفی درآن زمان‌نفوذ زیادی‌در تمام افراد و طبقات مختلفه مردم داشت واگر فرمانی صادر میکرد قوانین‌وی‌را مردم ازطرف امام دانسته وبی چون و چرا انجام‌میدادندوطبیعی بود اگر برعلیه شاهزاده فرمانی صادر مینمود حساب - ظل‌السلطان باکرام‌الکاتبین بود و بدین مناسبت ظل‌السلطان دستور داده بود از خاندان آقاکسی مالیاتی دریافت ندارد.

در ماه رمضان قرار براین بود یکی از توپهای نادری را درمیدان نقشجهان‌که در مرکز شهرقرارگرفته و ساختمان شهربانی فعلی قراقخانه بوده نصب و بمحض آنکه صدای شیپور از قزاقخانه شنیده میشد توپچی فتیله توپ را آتش میداد وباصدای توپ اهالی را از خوردنی و آشامیدنی ممنوع میساختند.

چندین شب لحظه‌ای‌زودتر ازموقع معمول توپ‌را آتش‌کردند وآقا نجفی بظل‌السلطان نامه نوشت ودرآن متذکر شدکه‌بهتر است آتش‌کردن توث سحر بعهده طلاب علوم دینیه باشدکه درموقع معین مردم را مطلع سازند ودست‌قزاقها از این عمل دینی کوتاه‌باشد

ظل‌السلطان‌در پاسخ به‌آقانجفی‌نوشت اخیراساعتی طلا از فرانسه برای‌من‌رسیده وچون‌بسیارمرتب کارمیکندخودشخصاساعت معهود را به‌توپچی اطلاع خواهم داد و سرکار آقا ازین‌بعدخاطرمبارکشان آسوده باشد ومقصود شاهزاده این‌بودکه بدین وسیله خودراشب‌زنده‌دار ودیندارومعتقد نشان‌دهد.

ظل‌السطان از همانشب دستور میدهد شیپورچی قزاقخانه بباغ کاج محل اقامت وی‌رفته‌ودرپشت درب‌اطاق‌خواب‌شاهزاده بیتوته‌نماید وبمحض آنکه شاهزاده‌دستور میدهد شیپور نواخته‌شود تا توپچی در میدان نقش‌جهان توپ‌را آتش دهد.

شاهزاده ظل‌السطان یکساعت‌ونیم بعد ازنیمه شب‌ازخواب‌بیدارشده‌وبساعت نظر افکنده ملاحظه میکند دوساعت‌ونیم بوقت توپ‌سحر مانده است لذا برای آنکه دستور دهد شام‌را حاضر نمایند با انگشت سبابه‌چند ضربه به‌شیشه‌درمینوازد که مستخدم وارد اطاق شود.

قزاق شیپورچی‌درپشت‌درب اطاق مشغول چرت زدن‌بوده ازصدای برخورد انگشت شاهزاده بشیشه چرتش‌پاره‌شده‌و بگمان اینکه ظل‌السطان امرمیکند شیپور رابصدادرآورد بادبیوق میکندو بلافاصله توپچی توپ‌راآتش میدهد!

آقانجفی روزبعد برای ظل‌السلطان مینویسد خوب‌شدساعت‌شمارا ازانگلستان نداده بودند والا در آن‌صورت نیم شب توپ‌سحررا می‌انداختید!! حال باید دید آن‌کافریکه این‌ساعت‌رابشاهزاده‌انداخته چه حرامزاده‌ای بوده‌است.

پایان

بحث علمی

جنین هم فکر میکند.

دکترجنرال‌که بیش ازسی‌سال است درعالم‌کودکان بمطالعه پرداخته و اینك معروفترین متخصص‌کودك شناسی جهان است‌نتیجه مطالعات طولانی ودانشمندانه خودرا اخیرا درکتابی‌گنجانده و متذکر شده است‌که برای شناسائی کامل کودك ناچاربايد پیشرفت ودورهٔ جنینی اورا که درزندان‌رحم میگذارند درنظر گرفت بدینجهت با اشکالات فراوان و زحمات زیادی توانسته‌است حرکات وسکنات‌جنین راخیلی پیش ازبدنیا آمدنش مشاهده‌کند و اینطور باطلاع خوانندگان محترم برساند.

درهفته چهارم: گرچه حلقه بدرازی یکدهم انج بیشتر نیست ولی از همانوقت معلوم است‌که ترکیب انسانی دارد و رك‌ها شروع به پیدایش میکند و قلب میزند.

درهفته هشتم: درازی مضغه به یك اینچ میرسد وکم‌کم چهره بشری ودهان چشم،گوش پا ودست پیدا میکندوسلول های مغزرفته رفته پدیدارمیآید و از این لحظه حس پیدا میشودوپس از سه روز برای اولین بارخود را حرکت میدهد و اگر تحریك شود سر و دودستش را می جنباند.

هفته‌دوازدهم: دنبالشان‌رامیچرخاند تنه وگردنش راخم میکندوسلسله اعصاب بسط پیدا میکند.

هفته‌چهاردهم: سرشراکاملا بلندوکوتاه وکمرش راتا میکند وممکن‌است تنه‌اش رابراست وچپ مایل کند واگر به پشتش دست زده شود دهانش رابازمیکند.

هفته شانزدهم: پلکشرا بازمی کندو میبندد، نخستین بارلب بالاو بعدلب زیرین را می‌جنباند بخوردن می‌آید وزبانش را حرکت می‌دهد ودراین هنگام ازروبرو و نیم رخ چهره بشری رامینمایاند.

درهفته بیستم: اخم میکند خود را می‌غلطاند کندعضلات تنفس بکارمشغول‌میشودو گاهی بقدری تنفس جنین شدید می شود که مادر بخوبی آنراحس‌میکند.

درهفته بیست وچهارم- یك سکسکه میکند چشمانش رابازمیکند واگرپیش از موقع بدنیابیاید ناله‌مختصرانه ای میکند ولی بیش ازچندساعت‌زنده نمیماند.

درهفته بیست‌وهشتم: دراین موقع اگرزائیده شد ممکن‌است زنده بماند و مانند زنان پیرصورتش پرچروك است، خمیازه میکشد ومی‌خواند، پستان میمکد قادراست ناله و گریه بکند و صداهای مخصوصی ازخود بیرون‌آورد.

هفته سی‌وششم: هنگامیکه گرسنه می شود بصدای رساگریه میکندوفریادمیزند راحت می‌خوابد ومرتبا در فواصل معین بیدارمی‌شود، انسان راتمیزمی‌دهد، اگر نوازش شود خوشحال درغیرآن‌خشمگین میشود.

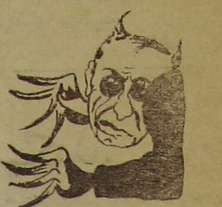
هفته چهلم دراین موقع‌اقامت جنین دررحم بحدکمال خودرسیده ودراین‌جهان پا میگذارد وچشمش رابااین دنیامیگشاید ازمطالعه ادوارمختلف بالا، درجات‌تحول وتطورجنین بخوبی معلوم وآشکارمیشود که پیدایش فکر واحساس‌کاملا تدریجی وطبیعی ومربوط برشد تدریجی سلولهای مغز و اعصاب است وربطی بپرورش و تربیت ندارد.

تسلیت

درگذشت بانو گوهر اسمعیلی‌راببازماندگان‌آن مرحوم تسلیت‌عرض‌میکنیم.

حسین‌باقری — ابراهیم‌باقری

قوام‌السلطنه هفته آینده



حالت مزاجی احمد قوام قهرمان ۱۷ آذر و ۳۰ تیر روبوخامت است وی چندی قبل هنگامی که دراروپا اقامت داشت بنا به تجویز دکتر معالج خون خودرا که دارای مواد قند والبومین بود تعویض نمود و اکنون دراثر تزریق خون جدید مبتلا بفشار گردیده‌است.

محل اقامت مشارالیه در یکی از ویلاهای شمیران است و اکثر اوقات رجال‌ودوستانش (یانوکراتش) بملاقات وی میروند.

اکنون که موضوع مصادره اموال ومجازات فوری وی سلاح‌جدیدی‌بدست مخالفین داده قوام برای معالجه واستراحت باروپا میرود

خبرنگار ویژه ما که اطلاعات فوق را کسب نموده اضافه می‌کند که قوام درصدد بوده باهواپیمای‌مسافر بری ك . ال . ام باروپا برود ولیکن سروصدای‌مخالفین در مجلس اورا از این تصمیم بازداشت وفعلا باهواپیمای‌شرکت‌هواپیمائی ایران تهران را ترك خواهد گفت .

مسافرت وی‌بدین طریق است که چون شرکت هواپیمائی ایران شش ماه یکبار هواپیماهای خودرا برای‌سرویس موتور به‌هلند میفرستد قوام با یکی ازین هواپیما ها که موتور آن‌جدیداتعویض و هیچگونه احتیاجی به‌تعمیروسرویس‌ندارد بطور مخفیانه باروپا خواهد رفت

و بااین‌ترتیب قوام السلطنه برجال‌خائن ودزدهای محترم این کشوربرای صدمین بار عملا نشان خواهد داد که فرشته عدالت چشم بسته نیست‌وگوشه‌چشمی به رندان دارد .

فعالیت وپشتکار وحسن سلوك رئیس تبلیغات لشگر اصفهان قابل همه‌گونه تقدیر است

سرهنگ زاهدی رئیس تبلیغات لشکر اصفهان اززمره افسران جوان ولایقی است که دراثر فعالیت وحسن سلوك خود توانسته در جامعه اصفهانی محبوبیتی فراوان کسب نماید .

مااین توجه عمومی را باین جوان فعال‌تبریك گفته وامیدواریم اززحمات زاهدی بیش ازین تشویق وتقدیر بعمل آید .

سناتورها ومخالفین جدی دولت دیشب درمنزل حکیم‌الملك جلسه سه ساعته داشتند



دیشب درمنزل آقای حکیمی (حکیم‌الملك) سناتورهای سابق جلسه سری‌داشتندواین جلسه سه ساعت تمام‌بطول انجامید میتوان حدس زد علت تشکیل این جلسه برای تصمیم راجع بدولت مصدق بوده است وبعیدنیست برای سقوط دولت‌نقشه‌هائی‌طرح شده باشد زیرا غیرازسناتورهای سابق چند تن از مخالفین جدی دکتر مصدق نیز حضور داشتند .

ازاختلاف بین بقائی وملکی بیش از هر کس حزب ایران منتفع میگردد



مدتی است بین دولیدر حزب باصطلاح زحمت کشان ملت ایران اختلاف شدیدی روی داده است .

دکتربقائی ملکی را جاسوس بیگانه نام میبرد وملکی دکتر بقائی‌را مهدورالدم می‌شناسد بقائی کمافی‌السابق شاهدرا منتشر ساخته وزیر کلیشه ارگان رسمی زحمتکشان ملت ایران میگذارد

وملکی نیروی‌سوم‌را باهمین‌آرم انتشارمیدهد

مابماهیت این حزب واینکه آیاکدام یك‌راست میگویند کاری نداریم زیرا ملکی درزندگی سیاسی خود تاکنون مانندبوقلمون برنگهای مختلف درآمده ودکتر بقائی نیز بهم چنین !

ولی باید گفت که از این اختلاف بیش از هر کس حزب ایران استفاده می‌برد .

زیرا برسر تقسیم پستهای حساس بین‌این دوحزب کدورت فراوان بود حزب ایران میخواست مشروطه خودرا بگیرد ودکتر بقائی میگفت ماهم ازاین نمد کلاهی میبریم

عجالتا اختلاف ودودستگی حزب زحمتکشان آن‌هارا بخود مشغول داشته و حزب ایران چند صباحی بی سرخر به رتق‌وفتق امور (!) خواهدپرداخت

ممکن است کابینه ترمیم وپسر فخرالدوله وزیردارائی شود



ازگوشه وکنار صدای ترمیم‌کابینه بگوش می‌رسد وگویا دکتر مصدق خیال‌دارد چندتن‌ازوزرارا آفتاب بگذارد تاخشك‌شوند !

از جمله کسانی که درکابینه ترمیم شده بازسر وکوششان پیدا خواهد شد دکتر امینی است وممکن است دکتر مصدق وی را وزیردارائی نماید ووزارت خارجه نیز بکاظمی تفویض خواهدگردید و در این صورت سرحسین فاطمی بی کلاه‌است‌زیرادیگر درمجلس برای مشارالیه جائی نیست

عادات عجیب ازدواج درجهان

دریوگوسلاوی - دریوگوسلاوی عروس باید مدتی درخمره بزرگی بماند تا بزندگی در دخمه عادت کند

درکوبا - عروس جوان پس ازختم مراسم عروسی باید دوروز ازمنزل‌پدری خود بیرون نیاید وداماد رانبیند و همچنین در این دوروز نباید‌ابروهای‌خود را اصلاح کند

درهند - باید شب نشینی هاداد و دعوت‌های بسیار کرد در این روزاغلب فقرای‌شهر ازخوراکیهاو آشامیدنی‌های‌لذیذ متمتع می‌شوند ولی بشرط اینکه همه‌برای عروسی چیزی جمع کنند وحتی فقراء و گدایان نیز اعانه ای بعروس‌و داماد بدهند !

درجنوب‌افریقا - دوشیزگان قبایل «سوادی» درجنوب افریقا نباید پیش از عروسی بگذارند موی ایشان‌بلند شود !

درپاناما - دختران پاناما‌ئی باید موی سرخود رابهمین ترتیب است بلند نگاه‌دارند چون‌در منزل‌شوهر داخل‌شدند مکلفند آنرا کوتاه کنند !

درآمریکا - استقبال کنندگان موکب عروس برنج بر سرایشان‌می‌پاشند و معتقدند که عروس‌وداماد تمام مدت زندگانی‌خوشبخت‌خواهند بود

درمراکش - پیش اینکه داماد باطاق‌عروسی‌داخل‌شود عده‌ای ازدوستان صمیمی وی او راکتك مفصلی می‌زنند و این‌رسم از زمان‌قدیم برقرارمانده‌است!

قبایل بربر - عروس و داماد‌پس از عروس بهیچوجه نباید بایکدیگرصحبت کنند و چون ۹ ماه‌ازروز ازدواج گذشت حق صحبت کردن دارند .

در شیلی - عروس وداماد پس‌از ازدواج از پدرومادرخودقهر میکنند و منزل جدیدی میگیرند !

مهندس عابدینی لیاقت‌اداره اقتصادملی استان‌دهم‌راندارد

درمیان انتصابات ناروائی که اخیرا بدست‌چندتن بیخبر یامغرض انجام گرفته انتخاب مهندس عابدینی بیش‌از هرچیز مسخره ومضحك‌است یك جوان‌بی‌تجربه و کم فهم که ظرفیت ریاست حسابداری اداره‌کوچکی راندارد بریاست اقتصاد ملی استان دهم گماشته‌شده واین‌جوانك ناپخته چنان میزریاست مست ومغرورش ساخته که هیچ‌کس‌حق دخول‌باطاق آقای رئیس (!) راندارد و نسبت بافراد شایسته‌اداره اقتصاد ملی استان ده ازهرگونه هتك احترامی فروگذار نمی نماید .

ما به‌آقای اخوی وزیر اقتصاد ملی دوستانه توصیه می کنیم اکنون که هم آهنگی بین‌مردم‌و دستگاه دولتی بیش‌ازهر وقت‌لازم‌است‌واوضاع‌فعلی کشور ایجاب می کندکارمندان دولت باروش عاقلانه خوشبینی توده مردم را نسبت‌بدستگاه‌فاسد جلب نمایند شایسته است مردی فهیم و پخته بجای عابدینی باصفهان اعزام گردد.



درجلسه رسمی مجلس شورای‌ملی روز ٦ آبانماه طرحی راآقای کوژ پشت گلپایگان بامضای خودموشح فرمودند که باید مسببین ۳۰ تیر ماه را فوری به مجازات رسانید !

اگر دراین کشور حساب بود میبایست از آقای دکتر معظمی پرسید تنها مسببین واقعه ۳۰ تیر باید مجازات شوند یاآدمکشهای گلپایگان که به‌دروغ خودرا وکیل مردم میدانند وازترس جان چندین سال است قدم نامبارك را بخطه انتخابی نگذاشته واگردر گلپایگان آفتابی شوند ازخشم ونفرت مردم درامان نبوده وبقول عوام تکه‌بزرك گوششان خواهد بود .

و باز باید سئوال کرد آیا تنها قوام السلطنه و اعوان وانصاروی قابل‌تعقیب ومجازات فوری‌میباشند‌یاکسانیکه خودرا دکترحقوق واستاد دانشگاه نامیده ولی اگرجزوه آنها راازدستشان بگیریم مثل‌اتومبیل بی بنزین بر جای خود میخکوب وزبان درکامشان خشك خواهدشد؟

ما منتظریم روزی فرارسدکه ملت با هشیاری دوست ودشمن رااز‌هم تمیز داده وسزای خائنین رابخصوص کسانیکه خودرا بغلط خدمتگذارملت معرفی مینماید کف دستشان گذارد زیرا برای مامسببین واقعه ۳۰ وکسانیکه باخونریزی وجنایت بکرسیهای پارلمان تکیه زده‌اند چندان تفاوتی ندارد .

دکتر معظمی تعقیب‌مسببین واقعه ۳۰ تیر راخواستاراست!!

دراجاره‌منازل ومستغلات‌هیچگونه‌تغییری‌داده‌نمی‌شود

چندی است جراید راجع به تنزل اجاره بهای مستغلات مقالاتی منتشر و نوید میدهند دولت در نظر داردصدی پنجاه از اجاره منازل ودکاکین راپائین آورد و این خبراجاره نشین‌های پایتخت که‌صدی نود وپنج اهالی را تشکیل می دهد خوشنودنموده است .

ولی متاسفانه باید بعرض خوانندگای ارجمند رسانید که این‌عمل برای‌دولت فعلی بادرنظر گرفتن اوضاع واحوال کنونی غیر میسر است زیرا دولت دکتر مصدق‌دوماه‌دیگراز کسانی رای اعتماد میخواهد که‌هر کدام حداقل درماه ۲۰۰۰۰ ریال اجاره مستغلات جمع آوری مینمایندو بهیچ‌قیمت حاضر نیستند یکشاهی‌از منافع ودرآمدشان کسر گردد

باتوجه باینکه شخص نخست‌وزیر خودنیزدر آمداجاره‌منازل‌ودکاکینش درهر ماه‌بالغ بر ۱۵۰۰۰۰ ریال‌میباشد‌نباید انتظار چنین معجزه را از این امام زاده داشت .

دربار برای‌سرکوبی جراید فحاش تندرو وچپ‌نما آماده‌می‌شود

وقایع روزچهارم‌آبان که‌تجری عناصر افراطی‌چپ باعث‌گردیده دربار و قوای انتظامی عبارا یك شاخ انداخته و برای سرکوبی ناراضی ها وارد عمل گردد .

افرادی‌که روزچهارم آبان در اثر تظاهرات برعلیه شاه دستگیر شده‌اند شماره‌آنان بالغ بر ۲۸۰ نفر میباشد که‌عده از آن ها به‌خارك و بندر عباس تبعید گردیده‌اند.

همچنین حمله بچاپخانه‌هائیکه روزنامه‌های چپی درآن‌چاپ‌میشودو ریختن صفحات آمادگی جدی دستگاه‌انتظامی رانشان‌میدهد.

درجهان ورزش



روزهای شنبه ویکشنبه ۲٦ و ۲۷ مهر مسابقات شنا و شیرجه - واترپلو دستجات آزاد اصفهان دراستخردبیرستان ادب انجام‌ودرنتیجه‌باشگاه نیرو وتندرستی با ٤۷ امتیاز باشگاه سرباز با ۳۷ امتیاز برنده جام پیروزی شنای سال ۳۱ شهرستان اصفهان ودرمسابقه واترپلو باشگاه نیرو تندرستی ۷ به صفر برنده مسابقه واترپلوی سال ۱۳۳۱ شناخته شد .

۲۰۰ متر شنای آزاد

سرایدار از نیرو وتندرستی
احمدی از تیم سرباز
خوانساری از تیم سرباز

۴۰۰ متر آزاد

سرایدار از نیرو وتندرستی
یدالله قهرمان از نیرو وتندرستی
ریاحی از تیم سرباز

۸۰۰ متر آزاد

احمدی از تیم سرباز
یدالله‌حمزیان از نیرو وتندرستی
بهشتی از نیرو وتندرستی

۴۱۰۰ متر امدادی

برنده اول نیرو وتندرستی
دوم
منصور برجیان از نیرو وتندرستی
رضا سرایدار از نیرو وتندرستی
شکراله
منوچهر

۴۲۰۰ متر امدادی

منصور برجیان
رضا سرایدار
بهشتی
فتح‌اله کریمی
یداله حمزیان

واترپلو

سال ۱۳۳۱
دسته باشگاه ورزشی نیرو وتندرستی
برنده جام پیروزی

۱ - منصور برجیان
۲ - محمد خدائی
۳ - رضا سرایدار
٤ - منوچهر برجیان
۵ - ضیاء نعمت‌اللهی
٦ - فتح‌اله کریمی
۷ - یداله حمزیان
۸ - بهشتی
۹ - شکراله حمزیان

چشم آقای وزیردارائی روشن

خبرنگارما از اصفهان گزارش م... دهد که آقای روزبه رئیس محاسبات دارائی آن‌شهرستان غیراز سپرده‌های دولتی سپرده‌های مردم راتصرف و... بمصرف اسنادیکه بعد ازانقضای سال‌مال... قبول نموده با سوء استفاده بمصرف... میرساند .

ماداشتن چنین عضو مبتکری را باآقای کاظمی وزیر دارائی تبریك‌میگو...